

بهار اشراق

رابطه‌ی متن و تصویر در ترجمه‌ی ماهی سیاه کوچولو به زبان انگلیسی

مفیده

یکی از چالش‌های مترجم خلاق، در کتاب‌های تصویری کودکان، ترجمه‌ی رابطه‌ی متن و تصویر است. این مقاله تلاش می‌کند رابطه‌ی روایی پیچیده‌ی میان عناصر کلامی و دیداری و تأثیر فرایند ترجمه را نشان دهد. واضح است که تصویر یکی از ویژگی‌های کتاب‌های کودکان است؛ نه ویژه، تصویر روی جلد به گونه‌ای است که توجه کودک را جلب می‌کند. بررسی تطبیقی کتاب ماهی سیاه کوچولو و ترجمه‌ی انگلیسی آن نشان می‌دهد که مترجم، برای آن که متن مقصد متسجمی تولید کند، باید به موارد مختلفی توجه کند که کلمه‌ها و تصاویر را در متن مبدأ به هم پیوند می‌دهند.

رابطه‌ی عناصر کلامی و تصویر

ایپولیتو^۱ (2008: 87-86) در مقاله‌ی خود می‌نویسد کتاب‌های تصویری دارای یک نظام چندوجهی^۲ هستند. او از لورانس سالیپ^۳ نقل قول می‌کند که در کتاب تصویری کلام و تصویر بدون یکدیگر ناقصند و یک رابطه‌ی هم‌کارکردی^۴ دارند که تأثیرش هم به تصویر و هم به کلام بستگی دارد (همان). از این رو، دیدگاه‌های متفاوتی درباره‌ی رابطه‌ی میان عناصر کلامی و تصویری وجود دارد. ایپولیتو از دینیس آگوستو^۵ نقل می‌کند که، در کتاب تصویری، قصه‌گویی موازی^۶ و قصه‌گویی وابسته^۷ وجود دارد؛ در اولی، متن و تصویر به‌طور هم‌زمان یک داستان را بازگو می‌کنند و در دومی، مخاطب بایستی به دو نشانه‌ی تصویر و کلام توجه کند تا

برونده
کتاب تصویری
متن

آن که انسجام و یکپارچگی کتاب از بین برود، رابطه‌های مختلفی میان متن و تصویر وجود دارد.

ترجمه‌ی کتاب‌های تصویری

ایپولیتو (۲۰۰۸: ۸۹) بر این باور است که مترجم نمی‌تواند تصویر را عوض کند. او در متن مداخله می‌کند، اما نباید از رابطه‌ی میان عناصر کلامی و دیداری چشم‌پوشی کند، زیرا ممکن است داستان را به غلط تعبیر و ترجمه نماید. متن و تصویر از هم جدا نیستند. باید گفت تصویرها روی واکنش مخاطب تأثیر می‌گذارند و مانند راهنمایی برای تفسیر و تعبیر داستان، از سوی خواننده، عمل می‌کنند. از این رو، مترجم، برای تطبیق متن و تصویر، به تصویرها هم توجه می‌کند. درک رابطه‌ی میان متن و تصویر یکی از چالش‌های مترجم است.

زمانی که تصویر چیزی به متن اضافه نمی‌کند و فقط توصیف عناصر کلامی است، مترجم فقط به عنصر کلامی و متن توجه می‌کند، اما زمانی که رابطه‌ای میان متن و تصویر وجود دارد و این دو مکمل یکدیگرند ترجمه دشوار می‌شود. ایپولیتو با اوسالیوان^۸ هم‌عقیده است که ترجمه‌ی کتاب‌های تصویری یک نوع «ترجمه‌ی محدود به نوع»^۹ است؛ به این معنی که عناصر کلامی و دیداری، حتی هنگامی که مترجم کتاب تصویری را ترجمه می‌کند، هیچ‌یک به نهایه‌ی نمی‌آیند و از هم جدا نیستند. عناصر دیداری و کلامی در کنار هم یک متن متسجم و یکپارچه را به وجود می‌آورند و هیچ‌یک از این موارد نباید از چشم مترجم پنهان بماند. «گر مترجم فقط به واژه‌ها و متن توجه کند، ترجمه‌ی کلمه به کلمه انجام داده، زیرا در این حالت به زبان موقعیتی یا فرهنگی^{۱۰} توجهی نکرده است و کتاب تصویری به اشتباه ترجمه می‌شود.

او از اویپتین^{۱۱} نقل می‌کند که تصویر روی واکنش خواننده تأثیر می‌گذارد و به او کمک می‌کند داستان را تعبیر و تفسیر کند. مترجمی که از ارتباط میان متن و تصویر سردر می‌آورد، با تأثیر متقابل

متن و تصویر دست و پنجه نرم می‌کند. وقتی تصویر به توصیف متن می‌پردازد کار مترجم ساده است و فقط سراغ متن می‌رود، اما جایی که تصویر و متن مکمل یکدیگرند کار مترجم دشوار می‌شود و به مهارت خوانش شما نیاز دارد. برای مثال «تیار پید» می‌کند. او (۲۰۰۸: ۸۹) بازا اوسالیوان (۲۰۰۶: ۱۱۴) نقل می‌کند که «تصاویر قدرت زبانی و خلاق مترجم را برمی‌انگیزند، زیرا مترجم می‌تواند ظاهر، پس زمینه و ویژگی‌های دیگر شخصیت را بسازد. تصاویر مانند سرنخی عمل می‌کنند تا مترجم بتواند متن را ترجمه کند و راهکار پهنه را به کار برد. از این رو، مترجم باید زبان تصویر را بداند. ایپولیتو معتقد است که مترجم باید همیشه آگاه باشد که زبان تصویر از فرهنگی تا فرهنگ دیگر فرق می‌کند؛ از این رو، سوءتعبیر در خوانش زبان تصویر بسیار زیاد است.

نویسنده، در این مقاله، سعی می‌کند، با توجه به دیدگاه ایپولیتو، به بررسی مقایسه‌ی کتاب ماهی سیاه کوچولو و ترجمه‌ی انگلیسی آن بپردازد و پاسخ این پرسش‌ها را بیابد:

چگونه تصریح بیش از حد جزئیات تصویر رابطه‌ی میان عناصر دیداری و کلامی را خدشه‌دار می‌کند؟

چگونه ساده‌سازی یک متن روایی از پیوستگی و انسجام متن با تصویر می‌کاهد؟ (به عبارت دیگر، چگونه ساده‌سازی به پیوستگی و همخوانی متن با تصویر آسیب می‌رساند؟)

چگونه نگاه دقیق و موشکافانه به تصاویر موجب تولید ترجمه‌ای دقیق و مناسب خواهد شد؟

تحلیل اثر اصلی و ترجمه

نگارنده، برای پاسخ پرسش‌های بالا، به بررسی متن اصلی و متن ترجمه پرداخت و متأسفانه، در همان بررسی نخست مشخص شد که ترجمه‌ی انگلیسی ماهی سیاه کوچولو یک ترجمه‌ی آزاد

است، تا جایی که در ترجمه‌ی انگلیسی روایت قصه به کلی تغییر کرده است. از این رو، به ذکر چند نمونه اکتفا می‌شود:

کتاب ماهی سیاه کوچولو قصه‌ی یک ماهی است که با رهنمودهای یک حلزون از زندگی راکد و ملال‌آور جویبار خسته می‌شود. قصد دریا می‌کند و با وجود سفارش‌های دست‌رانه‌ی مادر و اطرافیان، به سوی دریا به راه می‌افتد.

در بررسی متن اصلی، تصویرها نقش تکمیل‌کننده دارند و به کمک متن می‌آیند. تصویر روی جلد اثر اصلی و متن ترجمه شده، ماهی سیاه کوچولویی را با پس‌زمینه‌ی سبز نشان می‌دهد، اما در متن ترجمه شده مترجم به جای ترجمه‌ی تمام صفحات اثر اصلی، سعی کرده است داستان را از زبان خود روایت کند و از روش ترجمه‌ی آزاد استفاده کرده. که همین امر موجب خدشه‌دار شدن رابطه‌ی متن و تصویر شده است.

از آن‌جایی که اکتفا به مترجم اثر بسیار است، نگارنده تصمیم گرفت فقط به چند نمونه پستنه کند تا پاسخ پرسش را بیابد.

یکی از صفحات تصویر سه ماهی را نشان می‌دهد که مشغول صحبت با ماهی کوچولو هستند. همان‌طور که از داستان متن اصلی متوجه می‌شویم، این سه ماهی می‌گویند ماهی سیاه کوچولو را از سفر منحرف کنند، اما در متن ترجمه، مترجم، بدون توجه به تفاوت، متن را ترجمه کرده است و تصویر سه ماهی در قسمتی آورده شده که ماهی سیاه کوچولو سفرش را آغاز کرده و با یک دسته کفچه ماهی آشنا می‌شود.

باید گفت تصویرها روی واکنش

مخاطب تأثیر می‌گذارند و مانند

راهنمایی برای تفسیر و تعبیر داستان، از سوی خواننده، عمل می‌کنند. از این رو، مترجم، برای تطبیق متن و تصویر، به تصویرها هم توجه می‌کند.

در جایی دیگر، در تصویر اصل اثر، قورباغه‌ای روی تخته سنگی نشسته است و با ماهی سیاه کوچولو صحبت می‌کند. این تصویر، در کنار متن، قصه را می‌سازد، با خواندن متن متوجه می‌شویم که قورباغه مادر کفچه ماهی‌هاست و سعی دارد به ماهی سیاه کوچولو گوشمالی دهد، اما در متن ترجمه، قورباغه به‌طور کلی شخصیت داستانی متفاوتی دارد و سعی دارد ماهی سیاه کوچولو را از وجود یک پلیکان آگاه کند که اصلاً در متن اصلی به این موضوع اشاره نشده است.

متن اصلی، در صفحات بعد، تصویر مارمولکی را نشان می‌دهد که روی نخته سنگی نشسته است و با ماهی سیاه کوچولو صحبت می‌کند. این جا هم تصویر نقش تکمیل‌کننده دارد و متن و تصویر با هم قصه را می‌سازند. در این جا است که مارمولک، برای ماهی سیاه کوچولو، از مرغ سقا و پرنده‌ی ماهیخوار می‌گوید و به او ختجری می‌دهد که از خودش در مقابل آن‌ها دفاع کند. اما در متن ترجمه، تصویر با متن همخوانی ندارد و مترجم در جایی که تصویر قورباغه هست، سعی کرده است از زبان قورباغه از ختجر و احتمال وجود مرغ سقا بگوید. برای همین، با این‌که تصویر مارمولک در متن ترجمه شده آمده. در متن، شخصیت داستانی مارمولک به کلی نادیده گرفته شده است. در متن اصلی، مارمولک مظهر دانایی و عقل است و به کمک ماهی سیاه کوچولو می‌آید. در حالی‌که در متن ترجمه اهمیت این شخصیت داستانی نادیده گرفته شده.

در ترجمه‌ی این داستان، از این موارد بسیار به چشم می‌خورد. مورد دیگری که باید به آن اشاره شود جنبه‌جایی تصاویر نسبت به متن است. شاید بتوان گفت ناشر، با حفظ نکردن توالی و ترتیب تصاویر و مترجم، با ترجمه‌ی آزاد خود، به متن اصلی آسیب زده‌اند؛ به‌طوری که در جاهایی اعمال، رفتار و کنش شخصیت‌های داستانی و نگرش آن‌ها به کلی تغییر کرده است.

یک مورد دیگر، تصویر مرغ سقا و مرغ ماهی‌خوار است که در اثر ترجمه شده هم آمده است. اما در ترجمه‌ی متن، فقط به مرغ سقا یا همان بیبکان اشاره شده و شخصیت مرغ ماهی‌خوار به کلی حذف شده است. برای نمونه، به مثال‌های زیر توجه فرمایید:

۱. اما نا خواستند راه بیفتند، دیدند که آب دور و برشان دلا آمد و سرپوشی روی سرشان گذاشته شد و همه جا تاریک شد و راه گریزی هم نماند. ماهی سیاه فوری فهمید که توی کیسه‌ی مرغ سقا گیر افتاده‌اند. (بهرنگی، ۲۷)

When suddenly the bird called Pelican, it flew out from behind a cloud and headed for the water. He scooped up the little black fish and held him in his mouth. (The Little Black Fish)

در این مثال، مترجم از راهکار تصریح بیش از حد استفاده نموده و موجب خدشه‌دار شدن جزئیات تصویر و رابطه‌ی میان عناصر دیداری و کلامی شده است. در متن اصلی، ماهی سیاه کوچولو با ماهی‌ریزه‌ها همراه است و بدون آن‌که متوجه شوند، در منقار مرغ سقا گیر می‌افتند. در تصویر هم منقار مرغ سقا را می‌بینیم که ماهی‌ریزه‌ها، به همراه ماهی سیاه کوچولو، در آن گرفتار شده‌اند. اما مترجم، در ترجمه‌ی انگلیسی، فقط به گیر افتادن ماهی سیاه کوچولو اکتفا و ماهی‌ریزه‌ها را حذف کرده است. در حالی‌که تصویر همان است. در ضمن، باید گفت مترجم، با انتخاب راهکار تصریح بیش از حد و استفاده از جمله‌های خبری در ترجمه، از هیجان اثر اصلی کاسته است. در متن اصلی، ابتدا همه جا تاریک می‌شود و بعد ماهی سیاه کوچولو متوجه می‌شود که گیر افتاده‌اند، در حالی‌که، در ترجمه خواننده از همان ابتدا متوجه می‌شود ماهی سیاه کوچولو در دهان مرغ سقا گیر افتاده است.

۲. ماهی‌خوار مثل برق از راه رسید و این‌بار، چنان با سرعت ماهی را شکار کرد و فوراً داد که

ماهی نا مدنی نفهمید چه بلایی سرش آمده. فقط حس می‌کرد که همه جا مرطوب و تاریک است و راهی نیست. (بهرنگی، ۲۴)

۲. Inside the pelican's mouth the little black fish was terribly frightened. "I must get out of here," he cried. But he could think of no way to escape. Meanwhile, the pelican flew high up in the air over the ocean. Then the pelican swallowed, and the little black fish was tossed and pushed into the bird's stomach.

این مثال حذف شخصیت داستانی ماهی‌خوار را در ترجمه‌ی انگلیسی اثر به خوبی نشان می‌دهد. ۳. یک جا آهوایی با عجله آب می‌خورد. ماهی کوچولو سلام کرد و گفت: «آهو خوشگله! چه عجله داری؟»

آهو گفت: «شکارچی دنبالم کرده، یک گلوله هم بهم زده، ایهاش.» (بهرنگی، ۲۶)

۳. He told of having a narrow escape when a passing deer drank from his stream and almost swallowed him.

این هم یک نمونه از ساده‌سازی متن روایی که از انسجام متن با تصویر می‌گاهد. مترجم، در این مثال، با ساده‌سازی، به اثر اصلی آسیب رسانده و مفهوم اثر اصلی را به کلی تغییر داده و شخصیت دوستانه‌ی آهو را به شخصیت منفی تبدیل کرده است.

۴. ماهی کوچولو خنجرش را نشان داد و گفت: «از همین تو، شکمش را یزده کنم حالا گوش کن ببین چه می‌گویم، من شروع می‌کنم به وول خوردن و این‌ور و آن‌ور رفتن، که ماهی‌خوار قلقلکش بشود و همین که دهانش باز شد و شروع کرد به قاق قاق خندیدن، تو بیرون بپر»

تصاویر مانند سرخ‌خی عمل می‌کنند تا مترجم بتواند متن را ترجمه کند و راهکار بهینه را به کار برد؛ از این رو، مترجم باید زبان تصویر را بداند.

